

# مراسلهٔ ابن یمین

بقلم آقای ملک الشعراء بهار

نماینده طهران در مجلس شورای ملی

آقای مدیر محترم

در صفحه ۲۳۸ شمارهٔ سوم آن مجله مراسلاتی از ابن یمین بامضای ( ی . برتلس ) طبع شده و وعده داده است که مراسلات دیگری نیز خواهد فرستاد .

از پیدا شدن مراسلات ابن یمین که زیاد تر حیات شاعر شیرین کاریا بر ما روشن میسازد مسرور شدم و بالجمله با دقت مراسلهٔ اول را خواندم معلوم شد این مکتوب نظم است و نثر نیست ولی نظمی ~~که~~ قوافی آن باصطلاح ( موقوف ) میباشد .

این طرز ( قافیه موقوف ) همانست ~~که~~ دو قسمت از آن را شمس الدین محمد غیس رازی در کتاب المعجم فی معابیر اشعار المعجم باب پنجم از قسم دوم راجع بقافیه در صفحهٔ ۲۶۰ آورده که مطلع آن بدین قرار است :

شادمان باد مجلس مستو فی مشرق حمید دین الجو

این شعر موقوف القوافی در فارسی بندرت گفته شده و جز دو قصیده مشهور که در کتاب المعجم دیده میشود و یک قصیده که معانی تمام ابیات آن موقوف به بیت دیگر و مردف به کلمهٔ | گفت | میباشد و در جنگها بنظر رسیده ، دیگر قصیدهٔ تمام یا غزلی باین طریق بنظر من نرسیده است جز قطعهٔ ابن یمین که در آن مجله شریفه بطریق نثر درج شده بود اینک عین آن مراسله را با تصحیح اغلاطی که در نسخهٔ اصل و یا مطبعه روی داده نوشته برای جنابعالی ارسال داشت تا مقرر فرمایند بهمان قرار که ساخته شده است و مراد شاعر بوده طبع شود .

## قطعهٔ ابن یمین :

صاحب اعظم علاء دین و دو	لت که ایام حیوتش در سعا
دت بسکام دوستان حضرت	عالی او تا بروز حشر پا
بند و از بد ایام در	عصمت ایزد بحق مصطفی
بندۀ درگاه خود ابن یمین	رافراوان وعده داد اندر خزا

سان وگفت ارتزدمن آئی بیا  
 وان (چونزرد بارگاه او رسیده  
 ئی ودر آفاق خود گوئی که عن  
 غیر نام ازوی نشان هرگز ندا  
 بی کرم هاخود پس ازرنج (فرا  
 دم ندیدم وعده او را وفا  
 نمای مغرب شد کرم ورنی چرا؟  
 دست عاقل خاصه در ایام ما.  
 والسلام



در شعر پنجم مصرع دوم بعد از کلمه (رنج) برطبق قاعده شعری کلمه ای هموزن ( فراوان ) و با همین معنی ضرورت داشت که در متن نبود، لهذا همانرا حدساً بین دو هلال اضافه نمود که وزن و روی محفوظ بماند و سایر اصلاحات ظاهراً درست بنظر میرسد.

بالجمله شاید در ضمن سایر مراسلاتی که بعد بفرستندهم از این سنج صناعات بکار رفته باشد و لازم است دقت شود.  
 در خاتمه برای خالی نبودن عریضه غزلی موقوف المعانی که چند سال قبل گفته ام و بعد ها - چنانچه ذکر شد - در یکی دو جنک شعری قصیده ای بهمان طرز یافتیم بعنوان شاهد تقدیم میدارم.

### غزل موقوف المعانی

گفتمش هنگام وصلت ای ت فرخار گفت  
 باش اکنون تا بر آید، گفتم از گل خار: گفت  
 جانت اندر هجر گفتم جان پی ایثار تست  
 گرچه هست این هدیه در پیش تو بیمقدار گفت  
 عاشقا این ناله و آه و فغان از بهر چیست  
 گفتم از جور تو معشوق جفا کردار گفت  
 عاشقان را رنج باید برد گفتم رنج عشق؟  
 گفت از آن دشوار تر گفتم فراق یار گفت  
 آنچه سوزد جان عاشق گفتمش جور حبیب  
 گفت نی گفتم نگاه یار بسا اغیار گفت  
 آری آری، گفتم از زاغیار نتوان بست چشم  
 گاه گاه می گسوشه چشمی بما میدار گفت  
 چشم مست ما تو را هم ساغری بر کنف نهاد  
 گفتم از میخانه کس بیرون رود هشیار گفت

ناوک دلدوز ما را شد دلت آما جگام  
گفتمش جانا مرا نبود ولی در صکار گفت  
دل بیردند از گفت ؟ گفتم بلی گفت این جفا  
از که برزد گفتم از آن طره طرارار گفت  
روی، دل در پرده حسرت چه پوشی غنچه‌وار  
گفتم از درد فراق ان گل رخسار گفت  
گفته دلدار گشت آئین گفتار ( بهار )  
گفتمش آئین جانست آنچه را دلدار گفت

### در مراسله دوم

بعد از فراغ از قرائت مراسله اول این یمین بخواندن مراسله دوم پرداخت و معلوم شد که دومین درعداد مراسلات نیست بلکه فرمانی است که از طرف خواجه علاء الدین وزیر ظعائمور و برحسب یرلبغ پادشاهی مسوده نموده است که در مسجد ( فریومد ) که خرابه‌های آن تا امروز باقی است ، حفاظ کلام الله مقرر و مرفه باشند نه اینکه این یمین بحال فریومد حکمی از جانب خویش - چنانکه از مقدمه مسطوره بر مراسله مذکوره بر می آید - نموده باشد . بعلاوه تمام سرتاپا مراسله دوم غلط چاپ شده است - و دریغ که لالی آبدار این رسایل بدین وسائل ، بتدریج محو خواهد شد زیرا غالب مستشرقین در ادبیات فارسی دست کامل ندارند ، مطابع هم اعتدائی بمطالب نمیکند ، و با اعتماد این دو مبداء این قبیل و فیاب در عمارات دست میدهند .

م - بهار

مشهد - ۱۶ مرداد ۱۳۰۶



آینده - . . . و باید بدخطی نویسندگان را نیز ضمیمه نمود چه بتجربه دیده شده که مقالات و اشعار خوش خط بی غلط چاپ میشود . اغلب مقالاتی که در مجله آیزده یر غلط چاپ شده باین سبب بوده است ، زیرا از حروف چین و از مصحح معمولی که اطلاعات علمی و ادبی ندارند نمیتوان انتظار زیادتر داشت . ما مخصوصاً موقع را مفتنم شمردیم از نویسندگان محترم خواهش داریم مقالات خود را با خط خوانا بنویسند

## بی نیازی

آنچه درزندگی ضروری نیست  
 دل براهش اگر نیازی به  
 خویشتن را هیچ عادت خوی  
 بهوس مبتلا نسازی به  
 پیش عادت سر فکنده مپاش  
 که بهر حال سرفرازی به  
 وان عبادت که خیزد از عادت  
 گر بترکش همی بنازی به  
 چونکه هر عادتی نیاز آرد  
 از همه چیز بی نیازی به  
 محمد هاشم میرزا افسر



مسیو بریان ، وزیر خارجه فرانسه  
 ( سابقاً بارها رئیس الوزراء بوده است )



نصیر الدوله      میرزا ابوالحسن جلوه      مشاور لعلک

شرح احوال میرزای جلوه    قلم آقای آقا میرزا طاهر تفکاشی  
 از شاگردان آن مرحوم و شرح حال مرحوم مشاور الملک در شماره آینده  
 درج میشود